



نقد و بررسی بی تفاوتی اجتماعی نسبت به جرم کودک آزاری (مطالعه تطبیقی حقوق کیفری ایران با ایالت تگزاس آمریکا)

مسعود حیدری^۱
ناصر رضوانی جویباری^۲

تاریخ دریافت مقاله: ۹۸/۰۲/۲۲ تاریخ پذیرش نهایی: ۹۸/۰۳/۲۷

چکیده

بی تفاوتی یکی از آسیب‌های جدی اجتماعی است که نادیده گرفتن آن و عدم اتخاذ تدابیر لازم جهت جلوگیری از وقوع آن، مانع پویایی و تکامل جامعه می‌گردد. از دیدگاه جامعه‌شناختی، بی تفاوتی نوعی بیماری اجتماعی است و در مقابل، اعتنای اجتماعی و نوع دوستی نشانه پویایی و سلامت جامعه می‌باشد. کودکان به عنوان جمعی از جامعه و در واقع بخش اعظمی از جمعیت جهان را تشکیل می‌دهند و جزء آسیب‌پذیرترین اعضای جامعه هستند. در سال‌های اخیر، پدیده کودک‌آزاری در ایران شیوع بسیاری یافته است و از این‌رو نگاه ویژه مسئولین و قانون‌گذاران به مسائل و مشکلات آن‌ها و پیش‌بینی راهکارهایی در جهت جلوگیری از گسترش جرایم علیه کودکان، ضروری است. مبارزه با بی تفاوتی اجتماعی نسبت به کودک‌آزاری از طریق جرم‌انگاری به عنوان یکی از راهکارهای مهم بوده که در سطح بین‌المللی مورد توجه قانون‌گذاران کشورهای مختلف قرار گرفته است. از این‌رو، هدف اصلی مقاله بررسی موضع حقوق کیفری ایران در راستای مبارزه با بی تفاوتی اجتماعی در قبال کودک‌آزاری با مطالعه تطبیقی اجمالی با حقوق کیفری ایالت تگزاس آمریکا می‌باشد. با توجه به شیوع پدیده کودک‌آزاری در آن ایالت، قانون‌گذاران با تدوین مقررات ویژه ابتکاراتی را در زمینه مبارزه با بی تفاوتی اجتماعی اتخاذ نموده‌اند. در نتیجه پژوهش صورت گرفته مبرهن می‌گردد قوانین کیفری ایران در این خصوص دارای نواقص و خلاهایی است که ضرورت بازنگری و اصلاح را با استفاده از تجربیات حقوق کیفری دیگر کشورها می‌طلبد.

کلید واژه‌ها

بی تفاوتی اجتماعی، کودک‌آزاری، بیماری اجتماعی، جرم‌انگاری.

^۱ استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان، اصفهان، ایران (نویسنده مسئول)، masoud_heidari2@yahoo.com
^۲ دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان، اصفهان، ایران. rezvani54@gmail.com

مقدمه

کودک آزاری یکی از مهمترین آسیب‌های جامعه جهانی و از جمله جرائمی است که قلب هر انسانی را می‌آزرد و همه ساله میلیون‌ها قربانی با زخم‌های عمیق روحی و جسمی بر جای می‌گذارد. بی تفاوتی اجتماعی در قبال بزه کودک آزاری موضوع مهمی است که باید به آن پرداخته شده؛ علل، ریشه‌ها و راه‌های مقابله با آن مورد بررسی دقیق قرار گیرد. از نظر معنی و مفهوم، بی تفاوتی به معنای بی‌علاقگی، بی‌حسی، فقدان همدلی و احساس مسئولیت در قبال ممنوع است. (Chinama, 2014, 11) از نظر جامعه‌شناختی، بی تفاوتی اجتماعی وضعیتی است که طی آن افراد در جامعه نسبت به هموعان، اوضاع اجتماعی، سیاسی و فرهنگی و شرایط موجود و آینده دچار بی‌اعتنایی و بی‌علاقگی می‌شوند. «محسنی تبریزی، ۱۳۹۰، ۱-۲۲» ویژگی‌های بی تفاوتی یا بی‌اعتنایی عاطفی عبارت است از: «فقدان هیجان‌ات و تمایلات نوع‌دوستانه، احساس مشترک و همدلی و به‌عبارت دیگر، سردی نسبت به هم‌نوع.» (نجفی ابرندآبادی، ۲۰، ۱۳۹۰) از دیدگاه حقوق کیفری، فرد بی تفاوت از انجام وظایف خود در قبال جامعه از جمله کمک به هم‌نوع و افراد در معرض خطر، اقدام لازم در جهت جلوگیری از وقوع جرم و یا کمک به دستگاه عدالت کیفری جهت کشف جرایم مهم کوتاهی می‌ورزد.

با توجه به این‌که بخش عظیمی از جمعیت جهان را کودکان تشکیل داده‌اند و آن‌ها از جمله آسیب‌پذیرترین افراد جامعه از نظر جسمی و روحی می‌باشند، در حقوق کشورها و اسناد بین‌المللی توجه ویژه‌ای به مسایل و مشکلات آنها شده است. (خلق احمدی، ۱۳۹۶، ۱۰۵). از این‌رو، ضرورت دارد بی تفاوتی اجتماعی نسبت به جرایم ارتكابی علیه کودکان و امور مربوط به آن مورد توجه ویژه قرار گیرد.

در ایران با وجود آموزه‌های دین اسلام مبنی بر احترام به کودکان و خودداری از تعرض جسمی به آنان، متأسفانه میزان کودک‌آزاری بسیار زیاد شده و حتی به مرحله اضطرار رسیده است. (حیدری، ۱۳۹۶، ۱۰۰) یکی از علل گسترش کودک‌آزاری در ایران، تمایل افراد جامعه به عدم دخالت و پذیرش مسئولیت در قبال آن بوده که به‌عنوان یکی از موانع عدم کشف، تعقیب و مجازات مجرمین کودک‌آزار شناخته می‌شود؛ بنابراین در مورد کودک‌آزاری، رقم سیاه بسیار بوده و موارد نامکشوفه زیادی در دستگاه قضایی وجود دارد. (قناد، ۱۳۷۷، ۵۲)

قانون‌گذاران در کشورهای مختلف، یکی از راهکارهای کاهش رقم سیاه و افزایش موارد گزارش‌دهی کودک‌آزاری را در کنار آموزش و گسترش فرهنگ حمایت مادی و معنوی از کودکان؛ جرم‌انگاری بی تفاوتی افراد نسبت به آن می‌دانند.

اعمالی نظیر هرگونه صدمه، اذیت، آزار، شکنجه جسمی و روحی کودکان نادیده گرفتن عمدی سلامت و بهداشت روانی و جسمی کودکان، ممانعت از تحصیل آن‌ها، هرگونه خرید و فروش، بهره‌کشی و به‌کارگیری کودکان به‌منظور ارتکاب اعمال خلاف به‌عنوان مصادیق کودک‌آزاری بوده که تحت تأثیر تحولات کیفی مربوط به حقوق کودک در سطح بین‌المللی و شدت یافتن پدیده شوم کودک‌آزاری در کشورمان، توسط قانون‌گذار و در زمان وضع قانون حمایت از اطفال و نوجوانان در سال ۱۳۸۱ مورد جرم‌انگاری قرار گرفته است. (زینالی، ۱۳۸۲، ۵۴)

مطابق قانون حمایت از کودکان و نوجوانان مصوب ۱۳۸۱، کودک آزاری عبارت است از: «هر گونه فعل یا ترک فعلی که موجب آسیب یا تهدید سلامت جسم و روان و یا سعادت و رفاه و بهزیستی کودک و نوجوان زیر ۱۸ سال می‌شود.» مجازات کودک آزاری در قانون مذکور ۳ ماه تا ۶ ماه حبس و تا ده میلیون ریال جزای نقدی است.

با توجه به اهمیت موضوع و در جهت حمایت بیشتر و مطلوب‌تر از کودکان و نیز در راستای سیاست مبارزه با بی‌تفاوتی اجتماعی نسبت به کودک‌آزاری، قانون‌گذار در ماده ۶ آن قانون، اعلام مراتب کودک‌آزاری و گزارش‌دهی آن به مراجع ذیصلاح را اجباری نموده و افراد بی‌تفاوت را مستحق تعقیب کیفی و مجازات دانسته است.

لذا با توجه به مراتب فوق، این مقاله به‌ضرورت مبارزه با بی‌تفاوتی اجتماعی در قبال پدیده کودک‌آزاری اختصاص یافت و سعی گردید ضمن تبیین معنا و مفهوم بی‌تفاوتی، مواد قانونی مربوط به جرم‌انگاری بی‌تفاوتی نسبت به کودک‌آزاری در حقوق ایران مورد بحث و بررسی قرار گیرد و در جهت مطالعه تطبیقی موضوع هم حقوق کیفری ایالت تگزاس آمریکا انتخاب گردید و با توجه به اینکه هر ایالتی در آمریکا بر اساس شرایط فرهنگی و ریشه‌های تاریخی آن دارای جرائم و مجازات‌های متفاوت است؛ از این حیث با توجه به گستردگی موضوع، حقوق کیفری ایالت تگزاس برای مطالعه تطبیقی انتخاب شد. این امر به جهت شیوع پدیده کودک‌آزاری در آن ایالت و به دلیل ابتکاراتی است که از سوی قانون‌گذاران آن ایالت در جهت مبارزه مطلوب با بزه بی‌تفاوتی اجتماعی در قبال کودک‌آزاری اتخاذ شده است؛ تا جایی که می‌توان ایالت مذکور را به عنوان یکی از پیشروان مبارزه با بی‌تفاوتی اجتماعی نسبت به کودک‌آزاری دانست.

۱- بررسی بزه خودداری از گزارش دهی مراتب کودک آزاری

با توجه به تحولات کیفی مربوط به حقوق کودک در سطح بین الملل و شدت یافتن پدیده شوم کودک آزاری در جامعه اسلامی ایران و تحت تأثیر فشار افکار عمومی، قانون گذار در جهت حمایت از کودکان و نوجوانان، اقدام به وضع قانون حمایت از کودکان و نوجوانان در سال ۱۳۸۱ نموده است و کلیه اشخاصی را که به سن هجده سال تمام هجری نرسیده‌اند، از حمایت‌های قانونی مندرج در آن قانون بهره‌مند ساخته است.

از این نظر قانون گذار در جهت حمایت بیشتر از کودکان و مبارزه با بی تفاوتی اجتماعی در قابل جرایم مربوط به کودک آزاری، با اجباری نمودن گزارش دهی و اعلام موارد کودک آزاری و در راستای کنوانسیون حقوق کودک^۱ واکنش نشان داده و افراد بی تفاوت نسبت به آن را مستحق تعقیب و کیفر دانسته است؛ به عبارت دیگر، عدم گزارش دهی مراتب کودک آزاری به عنوان یکی از مصادیق مجرمانه بی تفاوتی محسوب شده که در این مقاله به بررسی ارکان تشکیل دهنده بزه مذکور پرداخته می‌شود.

بسیاری از ایالات در آمریکا، قوانین گزارش اجباری راجع به اعلام موارد کودک آزاری را وضع نموده‌اند. مطابق بخش ۲۶۱ قانون کیفی حمایت از خانواده ایالت تگزاس اصلاحی ۲۰۰۷، کودک آزاری عبارت است از هرگونه فعل یا ترک فعل‌هایی که موجب آسیب‌ها و آزارهای جسمی یا روانی، عاطفی و جنسی نسبت به کودک می‌شود یا موجب اختلال در رشد و آموزش کودک و عملکرد روانی او می‌گردد. مجازات کودک آزاری در ایالت مذکور، با توجه به شرایط و اوضاع احوال وقوع جرم از جمله سن کودک، میزان و نوع صدمه وارده، وقوع سوء استفاده جنسی و سابقه کیفی مرتکب متفاوت بوده و ممکن است مجازات جنایی یا جنحه ای را به همراه داشته باشد. (ماده ۱۰۱ بخش ۲۶۱ قانون حمایت از خانواده تگزاس). قوانین مربوط به گزارش دهی اجباری موارد سوء استفاده از کودکان و کودک آزاری شامل پزشکان، نهادهای مراقبت پزشکی، مشاغل آموزشی، مشاغل حقوقی و مأموران مجری قانون، سرویس‌های و عموم افراد جامعه می‌گردد. (قناد، پیشین، ۵۲) منظور از کودک و نوجوان در آمریکا که مورد حمایت قانون قرار گرفته‌اند، شامل همه افراد زیر ۱۸ سال می‌باشد. (Bridges, 2015, 58) موارد کودک آزاری آسیب‌های ذهنی و عاطفی، جلوگیری از رشد و توسعه عملکرد روانی کودک،

^۱ در مواد ۱۹ الی ۲۳ و نیز مواد ۳۲ الی ۴۰ کنوانسیون حقوق کودک بر اهمیت حمایت از کودکان در برابر سوء رفتارها از جمله سوء استفاده جنسی، ایراد صدمه بدنی و روحی و روانی تأکید شده است.

آسیب های جسمی جدی، سوء استفاده جنسی، استثمار، استفاده از مواردی که موجب آسیب ذهنی یا جسمی کودک می شود را در برمی گیرد.

بنابر گزارش ۲۰۱۴ یونیسف، آمریکا در مقایسه با کشورهای اروپایی، بیشترین درصد کودک آزاری (حدود ۵,۲ درصد) را دارد. در حالی که این میزان در فرانسه ۴,۱ درصد و در کشورهای انگلستان و آلمان زیر یک درصد است. در میان ایالات مختلف آمریکا هم ایالت تگزاس بیشترین موارد سوءاستفاده از کودک را به خود اختصاص داده است. (Finklea & Siskin, 2015, 23)

با توجه به این امر، قانون جزای ایالت تگزاس مقررات جامعی را در این خصوص وضع نموده است که به عنوان نمونه برای مطالعه تطبیقی در این مقاله مورد بررسی قرار می گیرد.

۱-۱- بررسی رکن قانونی بزه خودداری از اعلام موارد کودک آزاری

قانون گذار ایران در ماده ۶ قانون حمایت از کودکان و نوجوانان مقرر داشت: «کلیه افراد و مؤسسات و مراکزی که به نحوی مسئولیت نگاهداری و سرپرستی کودکان را بر عهده دارند، مکلف اند به محض مشاهده موارد کودک آزاری، مراتب را جهت پیگرد قانونی مرتکب و اتخاذ تصمیم مقتضی به مقامات صالح قضایی اعلام نمایند. تخلف از این تکلیف موجب حبس تا شش ماه یا جزای نقدی تا پنج میلیون ریال خواهد بود.»

مطابق ماده ۲ آن قانون، مصادیق کودک آزاری شامل هرگونه اذیت و آزار کودکان و نوجوانان می شود که موجب صدمه جسمانی یا روانی و اخلاقی می گردد و سلامت جسم و روان آنان را به مخاطره می اندازد. قانون گذار با توجه به اهمیت موضوع، جرایم مندرج در قانون را دارای جنبه عمومی اعلام نمود. (ماده ۵ قانون حمایت از کودکان و نوجوانان) کودک آزاری دارای گستره وسیعی است و ممکن است در هر فرهنگ و اجتماعی اتفاق بیفتد. آزار کودکان می تواند جسمی، عاطفی، لفظی و جنسی باشد. این آزارها می تواند صدمه جدی به کودک وارد کند و یا حتی باعث مرگشان شود.

بنابراین، قانون گذار ایران در راستای مبارزه با کودک آزاری افراد خاص را تحت شرایطی مکلف به اعلام موارد کودک آزاری به مراجع و مقامات ذیصلاح نموده است.

با توجه به تعداد زیاد ایالات در آمریکا که هر کدام خود دارای مجموعه قوانین کیفری مجزا و مستقل می باشند؛ از این نظر ذکر قوانین همه ایالات در خصوص موارد کودک آزاری و لزوم مبارزه با بی تفاوتی در قبال این پدیده ممکن نبوده و به ناچار به ذکر نمونه هایی از قانون ایالتی بسنده می گردد.

در مجموعه قوانین کیفری مربوط به خانواده ایالت تگزاس، بخش ۲۶۱ و بندهای آن به موارد کودک آزاری اختصاص یافت. چنانچه ماده ۱۰۱ از بخش مذکور، در خصوص بی تفاوتی در قبال پدیده کودک آزاری مقرر داشت، «هر فردی که دلیلی برای اعتقادش دارد که سلامت جسمی یا روحی کودک یا رفاه او تحت تأثیر سوء رفتار یا غفلت توسط دیگری قرار گرفته است، باید فوراً مراتب را مطابق این بخش گزارش دهد...» (Bridges, Op. Cit. 57)

مطابق ماده مذکور همه افراد می‌توانند موارد سوءاستفاده احتمالی از کودک یا مظنون بودن به این امر را به اداره خدمات خانواده و خدمات حفاظتی تگزاس (DFPS)^۱ گزارش دهند. این اداره گزارشات مربوط به سوءاستفاده از کودکان و غفلت در نگهداری کودک و نوجوان را بررسی می‌کند و در صورت صحت گزارش، آن را به مراجع قضایی اعلام تا مرتکب جرم تحت تعقیب قضایی قرار گیرد.

اعلام گزارش مراتب کودک آزاری می‌بایست در اسرع وقت و حداکثر ظرف مهلت ۴۸ ساعت صورت گیرد. خودداری از این امر، جرم جنایی بوده و به موجب قانون کیفری ایالت تگزاس ممکن است تا ۵۰۰۰ هزار دلار جریمه و یا تا ۵ سال حبس یا هر دو را در پی داشته باشد.^۲ در اکثر ایالات (حدوداً ۴۰ ایالت) در آمریکا مجازات عدم گزارش دهی موارد کودک آزاری به عنوان جنحه در نظر گرفته شده و دارای مجازات مشابه است که حداکثر تا یک سال حبس یا پرداخت جزای نقدی تا ۱۰۰۰ دلار می‌باشد. در آریزونا و مینه سوتا مجازات عدم گزارش موارد کودک آزاری در وضعیت‌های خشونت‌ها و بدرفتاری شدید و مهم در طبقه جنایت قرار گرفته است. در ایالات کنتاکی، ایلینوی، فلوریدا و گوام عدم گزارش خشونت‌های درجه دوم هم به عنوان جنایات طبقه بندی شده و ممکن است؛ تا ۵ سال حبس یا تا ۵ هزار دلار جریمه یا هر دو را در پی داشته باشد. (Haffman, 1984, 21)

با توجه به مجموع قوانین کیفری ایالت تگزاس که علاوه بر جرم انگاری بی تفاوتی اجتماعی نسبت به اعلام مراتب کودک آزاری به مراجع ذیصلاح و چگونگی آن، به اختصاص اداره خدمات اجتماعی برای بررسی صحت و سقم گزارش‌ها پرداخته است؛ به نظر می‌رسد از این حیث قوانین کیفری آن کامل تر و جامع تر از قوانین کیفری ایران باشد.

¹ Department and Family protective services

² Texas penal code, S. 38.17

۱-۲- بررسی رکن مادی بزه خودداری از اعلام موارد کودک‌آزاری

رکن مادی هر جرم عمدی ممکن است از سه جزء تشکیل گردد که عبارتند از: فعل یا ترک فعل ارادی، شرایط و اوضاع و احوال تشکیل دهنده آن و در برخی از موارد، نتیجه مجرمانه. (Barker, 2014, 288)

در رکن مادی بزه خودداری از اعلام مراتب کودک‌آزاری، اجزای تشکیل دهنده آن اعم از امکان ارتکاب جرم از سوی افراد خاص، رفتار تشکیل‌دهنده جرم، موضوع جرم و نتیجه آن در قوانین کیفری ایران و ایالت تگزاس آمریکا مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱-۲-۱- امکان ارتکاب جرم از سوی افراد خاص

قانون‌گذار ایران با به کار بردن عبارت «کلیه افراد و مؤسسات و مراکزی که به نحوی مسئولیت نگاهداری و سرپرستی کودکان را بر عهده دارند...» در صدر ماده ۶ آن قانون، تکلیف گزارش‌دهی و اعلام جرم را فقط به افراد و مؤسسه‌های مسئول نگاهداری و سرپرستی اطفال محدود نموده است. به نظر می‌رسد بر این امر ایراد و اشکال وارد است؛ زیرا با توجه به رقم سیاه جرایم مربوط به کودک‌آزاری و اعتقاد به خصوصی و خانوادگی بودن پدیده مذکور و وجود دیدگاه‌های خاص در ارتباط با روابط والدین و فرزندان که بر میزان رقم سیاه می‌افزاید، لازم بود در جهت اجرای بهتر قانون و کمک به کارگزاران دستگاه عدالت کیفری و نیز مبارزه مطلوب با پدیده کودک‌آزاری، همه افراد جامعه مکلف به اعلام موارد کودک‌آزاری به مراجع قضایی بودند. از این‌رو، در راستای تحقق اهداف مقابله با بی‌تفاوتی نسبت به پدیده کودک‌آزاری، لازم است قانون‌گذار اقدام به اصلاح قانون نموده و همه افراد جامعه را مکلف به اعلام و گزارش جرایم کودک‌آزاری به محض مشاهده آن نماید. به هر حال، با توجه به قانون قابل اجرای حاضر، محدوده تکلیف قانونی بزه مزبور تنها شامل مراکز بهزیستی، مهدکودک‌ها، مدارس، بیمارستان‌ها، درمانگاه‌ها و سایر مراجع مرتبطی می‌گردد که مسئولیت نگاهداری و سرپرستی کودکان و نوجوانان را بر عهده دارند. در حالی که ممکن است این جرم توسط خود افراد و مؤسسات مسئول صورت گیرد، بنابراین ایراد عمده وارده بر این ماده اختصاص آن به نگهداران کودکان هست در حالی که مناسب بود به‌طور عام، این جرم‌انگاری صورت پذیرد و از این نظر اصلاح قانون ضروری به نظر می‌رسد. (یکرنگی، ۱۳۹۲، ۷۲) کما این که قانون‌گذار با علم به نقص مذکور خود درصدد رفع آن برآمده و از این نظر لایحه قانونی حمایت از کودکان و نوجوانان با انجام اصلاحاتی در مجلس مطرح بوده که در ادامه مقاله به تحلیل و مقایسه اجمالی آن با قانون فعلی در حال اجرا پرداخته می‌شود.

در ایالات متحده آمریکا، گزارش‌دهی اجباری کودک‌آزاری، نه تنها بر افرادی که به سبب شغل و حرفه خود با موارد کودک‌آزاری برخورد کرده‌اند از جمله معلمان، پرستاران، پزشکان، کارمندان مراقبت روزانه، کارمندان سازمان‌های دارای مجوز یا گواهینامه‌های دولتی در ارتباط مستقیم با کودکان، روحانیت، متخصص بهداشت روانی، وکیل، کارمند کلینیک بهداشت باروری لازم و ضروری است؛ بلکه سایر اشخاص عادی جامعه از جمله همسایگان، بستگان و غیره هم که به طریقی از موارد کودک‌آزاری آگاهی یافته‌اند؛ مکلف می‌باشند مراتب را در اسرع وقت به اداره و دفاتر خدمات اجتماعی و حفاظتی ایجاد شده برای این منظور گزارش دهند. هویت و مشخصات فرد گزارش دهنده محرمانه است و منتشر و اعلام نمی‌گردد. (ماده ۱۰۱ بخش ۲۶۱ قانون کیفری حمایت از خانواده تگزاس)

بنابراین برخلاف حقوق کیفری حاضر ایران، در ایالت تگزاس آمریکا همه آحاد جامعه که با ارائه مدرک و دلیلی از موضوع کودک‌آزاری آگاهی یافته‌اند؛ مکلف به اعلام و گزارش مراتب آن می‌باشند. در صورت عدم اعلام یا عدم ارائه گزارش به مراجع و دفاتر اعلامی در قانون، نامبردگان به عنوان مجرم بی تفاوت تحت تعقیب کیفری قرار می‌گیرند. از این نظر با توجه به این که قانون کیفری ایالت تگزاس شامل همه آحاد جامعه می‌گردد؛ نسبت به قانون کیفری ایران جامع و کامل تر به نظر می‌رسد و با هدف قانون گذار از جرم انگاری بی تفاوتی اجتماعی، سازگاری بیشتری دارد .

۱-۲-۲- رفتار تشکیل دهنده بزه خودداری از اعلام مراتب کودک آزاری

گاه قانون گذار مخاطبان خود را به انجام دادن فعلی تکلیف می‌کند که در این صورت، ترک این فعل نقض اوامر قانون گذار بوده و جرم محسوب می‌شود. درجایی که قانونگذار برای افراد، تکلیف قانونی برای انجام عملی را وضع نموده و برای خودداری از انجام آن مجازات مقرر نموده است، خودداری از انجام عمل به عنوان ترک فعل مجرمانه، رفتار تشکیل دهنده بزه تلقی می‌گردد.

با توجه به ماده ۶ قانون حمایت از کودکان و نوجوانان که قانون گذار در آن، مخاطب خاص خود را به انجام دادن فعلی (گزارش دادن یا اعلام جرم) مکلف نموده است؛ ترک این وظیفه قانونی یعنی عدم گزارش‌دهی یا خودداری از اعلام جرم، تشکیل دهنده رفتار مجرمانه مندرج در آن ماده است که از این نظر شخص تارک فعل یا بی تفاوت، مستحق تعقیب و مجازات مقرر می‌باشد. به عبارتی، رفتار تشکیل دهنده رکن مادی جرم، امتناع از فعلی است که نفس آن قطع

نظر از آثاری که ممکن است به وجود آورد، مقصود قانون گذار بوده است. (اردبیلی، ۱۳۹۵، ۳۰۴) لذا بزه مذکور در ماده ۶، با ترک فعل خودداری از گزارش تحقق می‌یابد. با توجه به قوانین کیفری ایالتی در آمریکا خصوصاً ایالت تگزاس راجع به تکلیف قانونی دانستن اعلام و گزارش موارد کودک‌آزاری به مراجع و ادارات اعلامی ذی‌صلاح، ترک این وظیفه قانونی یعنی خودداری از اعلام موارد کودک‌آزاری به‌عنوان رفتار تشکیل‌دهنده بزه مذکور می‌باشد و از این حیث فرد خودداری کننده از اعلام موارد کودک‌آزاری به‌عنوان یک فرد بی‌تفاوت نسبت به امور اجتماعی و جامعه؛ مستحق تعقیب کیفری و مجازات می‌باشد. (Cit., 29. Haffman, Op.

بنابراین در جایی که در قانون وظیفه اقدام از سوی قانون گذار برای افراد پیش‌بینی شده است، ترک فعل و خودداری از انجام وظیفه واجد مسئولیت کیفری خواهد بود. به‌رحال در بزه خودداری از اعلام یا گزارش موارد کودک‌آزاری، در هر دو نظام حقوقی ایران و ایالت تگزاس در واقع ترک فعل تشکیل‌دهنده رفتار مجرمانه آن می‌باشد.

۱-۲-۳- موضوع جرم خودداری از اعلام مراتب کودک‌آزاری

موضوع جرم یا آنچه که نسبت به آن جرم واقع شده است یا ارزش موردحمایت قانون گذار، در اینجا کودک و نوجوان می‌باشد. قانون گذار مطابق کنوانسیون حمایت از کودک^۱ همانند سایر کشورهای عضو با توسیع دامنه شمول قانون، کلیه افرادی را که به سن ۱۸ سال تمام هجری شمسی نرسیده‌اند، مشمول قانون قرار داده است.

در مجموعه قوانین کیفری ایالت تگزاس آمریکا همانند سایر ایالات دیگر، کودک‌آزاری شامل هر شخص زیر ۱۸ سال می‌گردد. (Bridges, Op. Cit. 58)

بنابراین چنانچه مصادیق کودک‌آزاری مندرج در قانون، نسبت به یک فرد زیر ۱۸ سال تمام اتفاق بیفتد، افراد و مؤسسات و مراکزی که نگهداری و سرپرستی آن فرد را بر عهده دارند، مکلف هستند به محض مشاهده اقدام به اعلام جرم و گزارش به مراجع صالح قضایی نمایند. مطابق قوانین کیفری آمریکا، افراد زیر ۱۴ سال به‌عنوان کودک و افراد میان ۱۴ تا ۱۸ سال به‌عنوان نوجوان می‌باشند. (Ibid, 55) که هر دوی آن‌ها با الهام از کنوانسیون حمایت از کودک

^۱ ماده یک کنوانسیون حمایت از حقوق کودک مقرر داشته است: «از نظر این کنوانسیون منظور از کودک افراد زیر سن ۱۸ سال است».

مشمول قانون قرار گرفتند؛ بنابراین آزار و اذیت افراد زیر ۱۸ سال مدنظر قانون گذار بوده و افراد مطلع و آگاه نسبت به موضوع مکلف به اعلام مراتب آن می‌باشند. بدیهی است افراد بالای ۱۸ سال به‌عنوان یک شخص عاقل و بالغ خود می‌توانند در صورتی که مورد صدمه و آسیب دیگری قرار گرفته‌اند؛ رأساً اقدام به طرح شکایت کیفری و احقاق حق نمایند و از این حیث، دیگران در قبال آن‌ها مسئولیتی از جهت اعلام و گزارش جرم ندارند.

۱-۲-۴- نتیجه جرم خودداری از اعلام مراتب کودک آزاری

بزه مندرج در ماده ۶ قانون حمایت از کودکان و نوجوانان ایران از جرایم مطلق است که نتیجه بزه کودک آزاری در تحقق آن بی‌تأثیر است. به‌عبارت دیگر، به محض خودداری از اعلام کودک آزاری و گزارش‌دهی به مراجع صالح، جرم مزبور واقع شده و شخص بی‌تفاوت خودداری کننده از اعلام آن، مجرم بوده و مستحق تعقیب و مجازات می‌گردد.

به‌عنوان مثال اگر کودکی جهت درمان و مداوایش به بیمارستان آورده شود و پزشک معالج بر بدن کودک آثار ضرب و جرح یا بهره‌کشی و به‌کارگیری یا شکنجه را مشاهده نماید؛ می‌بایست فوراً مراتب را به مراجع قضایی صالح گزارش دهد و الا در صورت خودداری از این امر، خودش مشمول ماده ۶ قانون مذکور گردیده و به‌عنوان متهم تحت تعقیب قرار می‌گیرد.

به عبارتی، بعضی از جرایم به نحوی تعریف می‌شوند که رفتار همراه با قصد ایجاد نتیجه زیان‌بار، صرف نظر از تحقق عملی آن نتیجه، جرم محسوب شود. به عبارتی، چنین جرایمی جزء جرایم مطلق بوده که نیازمند تحقق نتیجه خاص نمی‌باشند. (لفیو، واین آر، ۱۳۹۳، ۱۲)

بزه عدم اعلام یا عدم گزارش مراتب کودک آزاری در ایالت تگزاس نیز از جرایم مطلق است و به محض خودداری از اعلام در مهلت مقرر قانونی، جرم مذکور واقع می‌گردد. لازم به ذکر است در بسیاری از ایالات در آمریکا از جمله تگزاس یک مهلتی از جهت اعلام در نظر گرفته‌اند و مقرر داشتند که شخص آگاه و مطلع از کودک آزاری باید حداکثر تا ۴۸ ساعت آن را به مقامات ذیصلاح اعلام نماید و در صورت عدم اعلام مراتب، صرف نظر از نتیجه بزه مذکور، فرد بی‌تفاوت مجرم تلقی گردیده و مستحق تعقیب و مجازات می‌گردد. (Haffman, Op. Cit. 12)

البته هرچند نتیجه بزه کودک آزاری در تحقق جرم خودداری از اعلام مراتب کودک آزاری بی‌تأثیر است ولی در ایالت تگزاس آن را در میزان مجازات مؤثر دانسته‌اند. چنانچه اذیت و آزار کودک منتهی به آسیب شدید جسمی به وی گردد، مجازات عدم اعلام آن تشدید شده و از مجازات جنحه‌ای درجه دو به مجازات جنحه‌ای درجه یک و یا حتی مجازات جنایی تبدیل

می‌شود. با توجه به این امر، به نظر می‌رسد در قوانین کیفری ایران هم باید نتیجه بزه کودک آزاری در تعیین مجازات فرد بی تفاوت موثر باشد و کودک آزاری منتهی به آسیب شدید جسمی یا روحی موجب تشدید مجازات تلقی گردد.

۱-۳- بررسی رکن روانی بزه خودداری از اعلام موارد کودک آزاری

رکن روانی جرم به فعل و انفعال ذهنی شخص مرتکب در زمان ارتکاب جرم اشاره دارد. به طور کلی دو نوع حالت ذهنی می‌تواند تشکیل دهنده رکن روانی جرم باشند که عبارتند از: عمد و خطا. (Elliot & Quinn)

اثبات فعل و انفعال ذهنی فرد در لحظه ارتکاب رفتار مجرمانه، همیشه آسان نیست. معمولاً مرتکب بزه، همزمان با ارتکاب رفتار از افکار خود برای دیگران سخن نمی‌گوید یا نمی‌نویسد تا آنها بتوانند بشنوند یا بخوانند. معمولاً در آینده نیز به داشتن عمدی که جرم مستلزم آن است، اعتراف نمی‌کند. پس به طور قطع باید با توجه به تمام شرایط پیرامونی و نتایج قابل پیش بینی رفتار، پی به افکار و قصد او برد. (لفیو، ۱۳۹۰، ۵۲) این امر در جرایمی که با ترک فعل تحقق می‌یابند دشوارتر است. بهر حال از نظر انواع اصلی رکن روانی جرم، خودداری از اعلام موارد کودک آزاری، جزء جرایم عمدی محسوب می‌گردد. از این رو، مطابق ماده ۱۴۴ قانون مجازات اسلامی، در رکن روانی آن علاوه بر علم مرتکب به موضوع جرم، احراز قصد مرتکب در ارتکاب رفتار مجرمانه نیز لازم است.

با توجه به این که بزه مذکور جزء جرایم مطلق می‌باشد؛ از این رو، صرف قصد ارتکاب رفتار مجرمانه در حین ارتکاب جرم، موجب اثبات جرم است و نیازی به وجود و احراز قصد تحقق نتیجه ندارد. (شمس‌ناتری، ۱۳۹۳، ۳۶۱) با این توضیح به بررسی اجزای تشکیل‌دهنده رکن روانی جرم عدم گزارش موارد کودک آزاری که همان علم به موضوع جرم و قصد ارتکاب رفتار مجرمانه است، می‌پردازیم.

۱-۳-۱- علم به موضوع جرم خودداری از اعلام مراتب کودک آزاری

قانون‌گذار در جهت حفظ نظم عمومی جامعه، پس از تصویب قانون در مجلس و طی مراحل قانونی و انتشار در روزنامه رسمی کشور و گذشت ۱۵ روز از تاریخ انتشار، فرض را بر علم همگان به قانون نهاده است. از این حیث ادعای جهل به حکم اصولاً پذیرفته نیست. در مقابل، قانون‌گذار در جهت احراز سوءنیت و قصد مجرمانه، علم به موضوع را لازم و ضروری دانسته و شبهه یا اشتباه موضوعی را از عوامل رافع مسئولیت کیفری اعلام داشته است.

در قانون حمایت از کودکان و نوجوانان، علم به کودک و نوجوان بودن فرد آسیب دیده یا مورد سوءاستفاده لازم است؛ بنابراین اگر شخصی با توجه به فیزیک بدنی و شرایط جسمانی فردی که مورد اذیت و آزار قرار گرفته است، تصور نماید که او فردی بزرگسال بوده و دارای ۱۸ سال تمام هجری شمسی است و از این رو خود مطابق قوانین موضوعه باید از حقوق قانونی و اساسی خود از جمله حق تظلم خواهی و طرح شکایت در مراجع صالح قضایی استفاده نماید و لذا به این جهت، با وجود مشاهده مراتب اذیت و آزار، شخص ناظر آن را به مراجع صالح قضایی مطابق ماده ۶ قانون حمایت از کودکان و نوجوانان اعلام ننماید، نمی توان چنین فردی را با فرض احراز جهل او به موضوع، مجرم دانست و تحت تعقیب کیفری و مجازات قرار داد. بنابراین علم به این که فرد مورد آزار و اذیت و شکنجه، کمتر از ۱۸ سال تمام شمسی سن دارد، برای احراز رکن روانی جرم لازم و ضروری است.

مطابق قوانین کیفری در آمریکا از جمله قانون حمایت از کودکان و نوجوانان ۱۹۳۳^۱، قانون کودکان ۱۹۸۹^۲، قانون حمایت از اطفال در مقابل سوءاستفاده و تهدید (A.P.T.A)^۳ و سایر قوانین ایالتی، منظور از کودک مورد حمایت آن قوانین، کلیه افراد کمتر از ۱۸ سال تمام می باشند. (Bridges, op. cit.59) بنابراین در جهت تحقق بزه خودداری از اعلام مراتب کودک آزاری، در ایالت تگزاس هم لازم است مرتکب جرم نسبت به کودک و نوجوان بودن فرد مورد اذیت و آزار و داشتن سن کمتر از ۱۸ سال علم و آگاهی، داشته باشد و همانند حقوق کیفری ایران؛ چنانچه متهم با توجه به اندازه قد و هیکل و شرایط جسمانی فرد آسیب دیده یا مورد اذیت و آزار گمان نماید که سن اش بیشتر از ۱۸ سال است و از این نظر مراتب را به مراجع قانونی اعلام ننماید؛ چنین فردی فاقد رکن روانی لازم برای داشتن مسئولیت کیفری بوده و تحت تعقیب قرار نمی گیرد.

۱-۳-۲- قصد رفتار مجرمانه عدم گزارش در مورد کودک آزاری

اگر چه در بدو امر چنین به نظر می رسد که جرم مذکور از دسته جرائم مادی صرف است و نیاز به احراز قصد مجرمانه ندارد ولی لازم به ذکر است که در بزه های مربوط به عدم اعلام جرم از جمله عدم اعلام کودک آزاری به عنوان یکی از موارد بی تفاوتی اجتماعی، موضوع عمدی

¹ Children and young person act 1933, s1(1)

² Children act, 1989, s46

³ Offences against the person act 1861, s16

بودن آن، از جمله عناصر تشکیل دهنده است. یعنی امتناع و خودداری باید به طور عمدی و از روی اراده باشد تا جرم تلقی گردد. (کوشا، ۱۳۸۹، ۲۵) بنابراین در رکن روانی جرم مذکور هم همانند سایر جرائم عمدی علاوه بر علم به موضوع، قصد ارتکاب رفتار مجرمانه هم لازم است. منظور از قصد ارتکاب رفتار مجرمانه که برخی از حقوق دانان آن را به «اراده‌ی متمایل به یک هدف مشخص» تعریف کرده‌اند؛ میل و خواست قطعی و منجز به انجام عمل و یا ترک عملی است که قانون آن را نهی کرده است. (نوربها، ۱۳۹۱، ۱۸۴)

در بزه خودداری از گزارش‌دهی مراتب کودک‌آزاری، فرد مشمول ماده ۶ آن قانون، باوجود مشاهده موارد کودک‌آزاری، آن را از روی عمد و باوجود اختیار و اراده آزاد به مراجع صالح قضایی اعلام نمی‌نماید.

در حقوق کیفری، افراد اغلب مسئول رفتار عمدی خود و نه رفتار ناشی از حادثه محسوب می‌گردند؛ حتی اگر نتیجه هر دو یکسان باشد. البته تحت پاره‌ای شرایط رفتار اتفاقی (ناشی از بی‌احتیاطی یا بی‌مبالاتی) ممکن است مبنای مسئولیت کیفری قرار گیرد. (هال، ۱۳۹۱، ۴۷)

بزه عدم گزارش مراتب کودک‌آزاری جزء جرایم عمدی است و از این حیث نیازمند قصد مجرمانه می‌باشد. وجه مشخصه عمد، داشتن میل یا هدف است. پروفیسور ویلیامز^۱ عمد را به‌عنوان «رفتار ارادی، آگاهی از اوضاع و احوال مربوطه و میل به رخ دادن هر پیامد مربوط تعریف می‌کند.» (Bridges, Op, Cit. 58) جایی که متهم با علم و آگاهی از این که کودک یا نوجوان زیر ۱۸ سال مورد آزار و اذیت قرار گرفته و با این وجود به‌طوری ارادی، مراتب را مطابق قانون به مراجع و مقامات صالح اعلام ننماید، مرتکب بزه مذکور شده است. خواست عدم اعلام مراتب کودک‌آزاری به مراجع ذیصلاح باوجود علم به آن، درواقع سوءنیت عام یا قصد مجرمانه را تشکیل می‌دهد. از آنجاکه بزه مذکور جزء جرایم مطلق است، نتیجه در تحقق آن تأثیری ندارد؛ لذا نیازی به سوءنیت خاص و احراز آن نمی‌باشد. هر چند ممکن است نتیجه در تعیین و میزان مجازات موثر باشد، چنانچه مطابق قوانین کیفری ایالت تگزاس، نتیجه مجرمانه در میزان مجازات و شدت آن موثر است.

¹ Williams
 2. Beccaria
 3. Bentham
 4. Monesquieu

۲- مجازات عدم گزارش موارد کودک آزاری

مجازات عدم گزارش موارد کودک آزاری که در ماده ۶ قانون حمایت از کودکان و نوجوانان مصوب ۱۳۸۱ آمده است، حبس تعزیری تا شش ماه یا جزای نقدی تا پنج میلیون ریال می باشد.

با توجه به میزان کم مجازات مقرر برای بزه مزبور که به لحاظ درجه بندی مجازات های تعزیری در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، جزء مجازات های تعزیری درجه ۷ محسوب می شود، دادگاه رسیدگی کننده به اتهام کودک آزاری نمی تواند مطابق ماده ۲۳ قانون مجازات اسلامی از مجازات های تکمیلی مقرر در آن ماده جهت متناسب نمودن کیفر با جرم ارتكابی استفاده نماید.

بنابراین با توجه به اهمیت جرم کودک آزاری و در جهت حمایت قانونی بیشتر و بهتر از کودکان و اتخاذ سیاست کیفری مناسب در قبال شیوع این پدیده، لازم است قانون گذار نسبت به اصلاح مجازات افراد بی تفاوت در قبال مشاهده موارد کودک آزاری و تشدید مجازات اقدام شایسته نماید. زیرا، شدت و قطعیت مجازات ها از نظر دانشمندانی چون بکاریا^۲، بنتام^۳ و منتسکیو^۴ به عنوان یکی از راه کارهای مناسب در برخورد با جرائم مورد توجه قرار گرفته است. هر چند امروزه در خصوص این که شدت و قطعیت مجازات ها می تواند اثر بازدارندگی فردی و اجتماعی داشته باشد؛ میان حقوقدانان اختلاف نظر وجود دارد ولی به نظر برخی از صاحب نظران حقوق کیفری، چنین رویکردی در قبال جرائمی با رقم سیاه بزهکاری موثر می باشد. (Pogarsky, 2002, 435) به نظر می رسد با توجه به ماهیت مشابه بزه بی تفاوتی اجتماعی نسبت به جرائم کودک آزاری؛ اتخاذ چنین رویکردی در این خصوص هم موثر باشد. از سوی دیگر، به کار گرفتن چنین سیاستی توسط قانون گذار، به معنی پذیرش تشدید مجازات بدون هیچ حد و مرز نیست بلکه در جهت اصلاح و درمان بزهکار و در پرتو اندیشه های فایده گرایانه است. بنابراین اصل تناسب جرم و مجازات همواره باید لحاظ گردد. چنانچه تشدید در نوع کیفر، میزان آن و نیز کیفیات تشدید کننده مجازات مورد توجه قانون گذار قرار گیرد، می تواند به عنوان یک عامل بازدارنده فردی و اجتماعی در مقابله با جرائم به کار گرفته شود. (Mendes, 2004, 32 - 41) بدیهی است قاضی دادگاه کیفری در جهت اصل فردی کردن مجازات ها می تواند در صورت وجود شرایط قانونی از موارد تخفیف و تبدیل مجازات ها، تعلیق و تعویق اجرای مجازات یا استفاده از مجازات های جایگزین حبس استفاده نماید.

البته لازم به ذکر است قانون گذار و مسئولین قضایی، با توجه به شیوع پدیده کودک‌آزاری در جامعه که هر روز اخبار مربوط به آن از طریق جراید، صداوسیما و شبکه‌های ارتباطی اجتماعی منعکس گردیده و موجب جریحه‌دار شدن احساسات مردم می‌گردد، خود ضرورت بازنگری و اصلاح قانون مذکور را به‌درستی درک نموده‌اند و از این نظر لایحه قانونی حمایت از کودکان و نوجوانان به مجلس ارائه و در کمیسیون‌های تخصصی مطرح می‌باشد. حتی کلیات لایحه قانونی مزبور در کمیسیون قضایی مجلس مورد بررسی و دو ماده از آن به تصویب رسید. از نکات قابل توجه لایحه قانونی مطروحه در مجلس، می‌توان به اصلاحات صورت گرفته راجع به بزه خودداری از اعلام مراتب کودک‌آزاری اشاره کرد. چنانچه در ماده ۲۲ لایحه قانون حمایت از کودکان و نوجوانان آمده است:

«هر کس کودک و نوجوانی را در معرض خطر شدید و قریب‌الوقوع مشاهده کند و علی‌رغم توانایی اعلام و گزارش به مراجع یا مقامات صلاحیت‌دار، از انجام آن خودداری کند و از اقدام فوری برای جلوگیری از وقوع خطر نیز امتناع نماید از ۹۱ روز تا یک سال حبس یا جزای نقدی از ده میلیون ریال تا سی میلیون ریال محکوم خواهد شد»

در تبصره ۱ ماده مذکور آمده است: «اگر مرتکب جرم مذکور در این ماده از افرادی باشد که مطابق قوانین و مقررات یا برحسب وظیفه مکلف به اعلام، گزارش یا کمک می‌باشند و یا به اقتضای حرفه خود می‌توانند کمک مؤثری نمایند به حداکثر مجازات مقرر در این ماده و حسب مورد به انفسال موقت از خدمات دولتی از شش ماه تا دو سال محکوم خواهد شد.»

در تبصره ۲ ماده مزبور هم مقرر گردید: «انجام تکلیف مقرر در این ماده با رعایت ضوابط مندرج در آن، موجب تعقیب کیفری افراد یا مسئولیت مدنی آنها نیست.»

و در نهایت در تبصره ۳ ماده مزبور قانون گذار به‌درستی اعلام داشت: «افشای هویت کسی که طبق این ماده موضوع را گزارش یا اعلام می‌نماید جز با رضایت خود او یا به‌موجب قانون ممنوع است.»

بنابراین با توجه به ماده ۲۲ پیشنهادی در لایحه تقدیمی به مجلس، می‌توان برطرف گردیدن معایب و کاستی‌های ماده ۶ قانون حمایت از کودکان و نوجوانان مصوب ۱۳۸۱ را در صورت تصویب مشاهده نمود و تدوین‌کنندگان لایحه در خصوص بزه عدم گزارش موارد کودک‌آزاری بر خلاف قانون سابق به‌درستی با تعمیم جرم به همه افراد، تکلیف به گزارش دهی کودک‌آزاری را وظیفه همه افراد جامعه اعلام داشتند تا از این طریق ضمن مبارزه با بی‌تفاوتی و بی‌مسئولیتی افراد؛ با اجبار قانونی به گزارش موارد کودک‌آزاری مورد مشاهده، به نحو

مطلوب‌تری با این پدیده شوم مبارزه نموده و جلوی شیوع آن در جامعه را بگیرند. لذا از این طریق از کودک و نوجوان حمایت نموده‌اند. در حالی که موارد مذکور در قانون سابق به عنوان نقص و ایراد شمرده شده‌اند.

تشدید مجازات تعیین‌شده برای بزه عدم گزارش دهی مراتب کودک‌آزاری در لایحه قانونی مطروحه در مجلس هم به‌درستی صورت گرفته است و این امر موجب تغییر درجه مجازات تعزیری مقرر از درجه ۷ به درجه ۶ مطابق ماده ۱۹ قانون مجازات اسلامی گردیده است. با توجه به تغییر حاصله، این امکان برای دادگاه رسیدگی‌کننده فراهم می‌گردد تا در جهت تعیین مجازات متناسب با اوضاع و احوال وقوع جرم و مرتکب، در صورت لزوم اقدام به تعیین مجازات‌های تکمیلی مقرر در ماده ۲۳ قانون مجازات اسلامی نماید. البته دادگاه رسیدگی‌کننده می‌تواند در جهت رعایت اصل تناسب میان جرم و مجازات، با توجه به نوع جرم ارتكابی، شرایط و اوضاع و احوال منتهی به ارتكاب جرم و شخصیت مرتکب جرم از مجازات‌های جایگزین حبس استفاده نماید. (شکری، ۱۳۹۵، ۲۳۵) لازم به ذکر است که در نظام حقوقی ایران و آمریکا خصوصاً ایالت تگزاس، توجه خاصی به جایگزین‌های حبس شده است (همت و دیگران، ۱۳۹۷، ۷۸) بنابراین در صورت وجود شرایط، امکان تعیین مجازات‌های جایگزین حبس و نیز تخفیف یا تبدیل مجازات در هر دو نظام حقوقی فراهم است.

علاوه بر موارد فوق، تشدید مجازات اعلامی در تبصره ۱ ماده ۲۲ لایحه که برحسب وظیفه و سِمَت مرتکب یا حرفه و شغل وی مقرر گردید، هم به‌درستی صورت گرفته است. با این حال، عدم تعیین مرجع قانونی برای اخذ گزارش‌ها جهت بررسی صحت و سقم آنها و خارج نمودن گزارش‌های خلاف واقع و مغرضانه و اعلام گزارش‌های منطبق بر واقع به مراجع قضایی جهت تعقیب متهمان کودک‌آزار را می‌توان از نواقص لایحه قانونی جدید به شمار آورد. چنین نقصی در قانون قبلی هم مشهود بوده و در لایحه تقدیمی به مجلس هم مسکوت مانده است.

در نظام حقوقی آمریکا با توجه به این که هر ایالتی دارای نظام قضایی مستقل و مجموعه قوانین مجزا می‌باشد، از این نظر مجازات بی‌تفاوتی در قبال پدیده کودک‌آزاری و عدم گزارش‌دهی آن از ایالتی به ایالت دیگر متفاوت است.

به‌طور کلی می‌توان گفت در اکثر ایالات (حدوداً ۴۰ ایالت) مجازات عدم گزارش‌دهی به‌عنوان یک مجازات جنبه‌ای در نظر گرفته شده است. (Haffman, Op. cit, 21) لازم به ذکر است تفکیک بین جنایت و جنحه در آمریکا مورد پذیرش قرار گرفته و جنایت جرمی شدید است که معمولاً مجازات آن بیش از یک سال حبس می‌باشد و جنحه از شدت کمتری برخوردار بوده

و معمولاً مجازات آن تا یک سال حبس می‌باشد. (هال، پیشین، ۳۷) چنانچه به‌عنوان نمونه می‌توان از ایالات آلاباما، آلاسکا، کالیفرنیا، آرکانساس، جورجیا، هاوایی و ایندیانا نام برد که مجازات جنحه‌ای را برای بزه مذکور مقرر داشتند و در مقابل ایالات کنتاکی، ایلینو، فلوریدا، آریزونا، مینه سوتا، تگزاس و گوام مجازات جنایی تا ۵ سال حبس یا ۵ هزار دلار یا هر دو را برای بزه مذکور مقرر نموده‌اند. (Price, 2012, 2) به‌نظر می‌رسد با توجه به‌ضرورت برخورد قاطع با مراتب کودک‌آزاری، تعیین مجازات شدیدتر برای افراد بی‌تفاوت در قبال آن، آثار بهتر و مطلوب‌تری از حیث اعلام و کشف بزه کودک‌آزاری به همراه خواهد داشت. از این‌رو سیاست جنایی تقنینی اتخاذ شده در ایالات اخیر، مناسب‌تر می‌باشد.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

کودکان از اقشار آسیب‌پذیر جامعه بوده که نیازمند حمایت حقوقی و توجه بیشتر قانون‌گذاران می‌باشند. با توجه به این امر، قانون‌گذار به‌درستی در سال ۱۳۸۱ با تصویب ماده ۶ قانون حمایت از کودکان و نوجوانان بی‌تفاوتی و خودداری از گزارش‌دهی مراتب کودک‌آزاری را تحت شرایطی جرم انگاری نموده و فرد بی‌تفاوت مسئول نگهداری کودک را در صورت عدم اعلام آن، مستحق کیفر و مجازات دانسته است. ولی مسئولیت کیفری قائل شدن تنها برای افراد و مؤسسات و مراکزی که به نحوی نگهداری و سرپرستی کودکان را بر عهده دارند، واجد ایراد اساسی است؛ چرا که بزه کودک‌آزاری از جمله جرایمی است که رقم سیاه آن بسیار بالاست که به جهت وجود دیدگاه‌های خاص خصوصی و خانوادگی بودن موضوع؛ اکثراً اعلام و کشف نمی‌گردند و یا حتی ممکن است مؤسسات و مراکز نگهداری یا والدین خودشان مرتکب جرم مذکور گردند. لذا در جهت مبارزه مطلوب با پدیده کودک‌آزاری، لازم است همه افراد جامعه مطلع از موضوع؛ مکلف به اعلام آن به مراجع ذیصلاح گردند. همان‌گونه که در ایالت تگزاس آمریکا به‌درستی بزه بی‌تفاوتی اجتماعی در قبال کودک‌آزاری برای همه افراد جامعه وضع شده است و از این حیث، حقوق کیفری تگزاس میرا از ایراد مذکور می‌باشد. به‌علاوه، مجازات مقرر در قانون حمایت از کودکان و نوجوانان ایران برای افراد بی‌تفاوتی که از گزارش‌دهی مراتب کودک‌آزاری خودداری می‌ورزند؛ ناکافی، نامتناسب و فاقد بازدارندگی لازم بوده و نیازمند بازنگری و اصلاح است.

این در حالی است که در بسیاری از ایالات در آمریکا از جمله تگزاس این بزه را در ردیف جرائم جنحه‌ای مهم به‌شمار آورده که با توجه به نتیجه کودک‌آزاری ممکن است مجازات

جرایم جنایی را متحمل گردد. و لذا مجازات متناسب تری برای آن در نظر گرفته اند. از سوی دیگر، با توجه به این که گزارش ارتکاب بزه کودک آزاری از سوی والدین و یا سرپرستان قانونی طفل، مستلزم مداخله در امور خانوادگی و خصوصی افراد می باشد و از این نظر ممکن است بعضی از افراد به انگیزه اذیت و آزار خانواده‌ای و یا تخدیش آبرو و حیثیت آنان و یا حتی به اشتباه موردی را کودک آزاری تلقی نموده و آن را به مراجع قضایی اعلام نمایند؛ در جهت جلوگیری از چنین مواردی، لازم است همانند قانون کیفری ایالت تگزاس آمریکا، مراکز یا اداره‌ای در جهت حمایت از کودکان و سایر افراد نیازمند کمک و حمایت از جمله معلولین، سالمندان و زنان تشکیل گردد تا عموم مردم بتوانند موارد سوءاستفاده از کودک یا ظن به کودک آزاری را به آن مراکز اعلام نمایند و کارمندان اداره خدمات حمایت از خانواده در چهارچوب قانون پس از بررسی موضوع و احراز صحت مفاد گزارش، اقدام به اعلام آن به مراجع قضایی جهت تعقیب کیفری مرتکب جرم نمایند. بنابراین با توجه به ایرادات و خلاءهای قانونی موجود راجع به بی تفاوتی افراد نسبت به موارد کودک آزاری در قوانین کیفری ایران پیشنهاد می گردد قانون گذار با وضع قانون جدید و یا انجام اصلاحاتی در قانون موجود اقدام لازم به عمل آورد تا: اولاً: تکلیف به گزارش دهی کودک آزاری شامل همه آحاد جامعه گردد. ثانیاً: تکلیف به گزارش دهی محدود به اذیت و آزار کودکان و نوجوانان نگردد. بلکه شامل همه افراد آسیب پذیر جامعه اعم از معلولین، سالمندان و زنان شود. ثالثاً: در جهت جلوگیری از اعلام موارد اشتباه یا خلاف واقع وقوع جرایم مربوط به کودک آزاری، لازم است با وضع قانون همانند کشور ایالت تگزاس، اداره یا مراکز جهت بررسی صحت و سقم گزارش‌های صورت گرفته، ایجاد گردد تا مددکاران و کارشناسان امور اجتماعی شاغل در آن اداره (که از آموزش لازم برخوردار می باشند) در ابتدا نسبت به صحت و سقم موضوع گزارش تحقیق نموده و تنها پس از اطمینان از تحقق بزه‌های مذکور آن را به مراجع قضایی جهت تعقیب مرتکب با مرتکبان جرم اعلام نمایند. رابعاً: مجازات مقرر برای مجرمین کودک آزار در قانون افزایش یافته و مطابق استانداردهای جهانی گردد تا واجد آثار لازم از جمله بازدارندگی فردی و اجتماعی گردد.

منابع

- ۱- اردبیلی، محمدعلی، «حقوق جزای عمومی»، جلد اول، نشر میزان، چاپ چهل و هفتم، تهران، ۱۳۹۵.
- ۲- حیدری، مسعود، «حمایت از اطفال در سیاست جنایی اسلام و ایران»، نشر میزان، چاپ اول، تهران، ۱۳۹۶.

- ۳- خلق احمدی، طاهره، «بررسی جرم کودک‌آزاری در مقررات داخلی و اسناد بین‌المللی»، چرخ دانش، چاپ اول، تهران، ۱۳۹۶.
- ۴- زینالی، حمزه، «نوآوری‌های قانون حمایت از کودکان و نوجوانان و چالش‌های فراروی آن»، نشریه رفاه اجتماعی، شماره ۷، دوره ۲، ۱۳۸۲.
- ۵- شکری، رضا، «قانون مجازات اسلامی در نظم حقوقی کنونی»، جلد اول انتشارات مهاجر، چاپ اول، ۱۳۹۵.
- ۶- شمس ناتری، محمد ابراهیم، حمیدرضا کلانتری، ابراهیم زارع و زینب ریاضت، «قانون مجازات اسلامی در نظم حقوق کنونی»، جلد اول، انتشارات میزان، چاپ دوم، ۱۳۹۳.
- ۷- قناد، فاطمه، «حمایت کیفری از صغار در برابر جرایم جنسی در نظام حقوقی انگلستان و ولز»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی تهران، ۱۳۷۷.
- ۸- کوشا، جعفر، «جرائم علیه عدالت قضایی» نشر میزان، چاپ دوم، ۱۳۸۹.
- ۹- لفیو، واین آر، «سببیت و قتل در نظام کیفری ایالات‌متحده آمریکا»، ترجمه دکتر حسین آقای‌نیا، نشر میزان، چاپ سوم، تهران، ۱۳۹۳.
- ۱۰- لفیو، واین آر، «عنصر معنوی در نظام کیفری ایالات متحده آمریکا» ترجمه فاطمه موسوی خوشدل، جلد اول، نشر میزان، چاپ اول، ۱۳۹۰.
- ۱۱- محسنی تبریزی، علیرضا و مجتبی صدائتی فرد، «پژوهشی در مورد بی‌تفاوتی اجتماعی در ایران (مورد پژوهش شهروندان تهرانی)»، جامعه‌شناسی کاربردی، سال بیست و دوم، شماره پیاپی ۴۳، شماره سوم، ۱۳۹۰.
- ۱۲- نجفی ابرندآبادی، علی حسین و حمید هاشم بیگی، «دانشنامه جرم‌شناسی»، انتشارات گنج دانش، چاپ چهارم، تهران، ۱۳۹۵.
- ۱۳- نوربها، رضا، «زمینه حقوق جزای عمومی»، انتشارات کتابخانه گنج دانش، چاپ سی و چهارم، تهران، ۱۳۹۱.
- ۱۴- هال، دانیل، «حقوق جزای عمومی ایالات‌متحده»، ترجمه دکتر میر شهبیز شافع، نشر طرح نوین اندیشه، چاپ اول، تهران، ۱۳۹۱.
- ۱۵- همت، مسعود، حمید رضا حیدر پور و ژیلای بزی تنها، «مبانی و ضرورت‌های اعمال جایگزین‌های حبس در مورد کودکان و نوجوانان (در پرتو نگاه تطبیقی به تجربه حقوق ایران و آمریکا)»، فصل‌نامه تحقیقات حقوق خصوصی و کیفری، شماره ۳۷، ۱۳۹۷.

- ۱۶- یکرنگی، محمد، «جرایم علیه عدالت قضایی» (مطالعه تطبیقی)، انتشارات خرسندی، چاپ اول، تهران، ۱۳۹۲.
- 17- Barkar, D.L.A, "Law made simple", 13th edition, Rout lege, London, 2014.
- 18- Bridges, LAN, "Blackstone's police operational handbook", Oxford University press, PNLD, America, 2015.
- 19- Chinama, J, Alexander,' living in the age of Apathy', xlibris US, America, 2014.
- 20- Elliott, Catherine, Quinn, Frances, 'Criminal Law, 10th edition, Trans- Atlantic publications', English, 2014.
- 21- Finklea, Kristin, Siskin, Alison, "sex trafficking Of Children in the UNITED STATES", Overview and Issuer for Congress, Congressional Research Service, 2015.
- 22- Haffman, Susan, J , 'Making apathy criminal, Kentucky college of law, Kentucky law journal', 1984.
- 23- Makoy, Monica. L, Keen, Stefonie. M, Child Abuse and Neglect, Second Edition, Psychology Press, NEW YORK, 2013.
- 24- Mendes, S.M, Certainty Severity and Relative Deterrent Effects, Questioning and Implication of role of Risk in Criminal Deterrence Policy, The Policy Study Journal, Vol. 32, 2004 .
- 25- Pgarsky, G, "Identify Deterable Offenders" Implications for Research on Deterrence, Justice, Quarterly, 2002.
- 26- Price, Susan, Penalties for Failure to report and false reporting of abuse, summery of state laws, welfare information Gate way, youth and families, 2009
- 27- Robinson, Paul.h, 'Criminal Liability for omission', Newyork Law school, review, Vol. 29, 198
- 28- Texas penal code, 19 Edition, Independently Publishied, 2018.

